

نوز

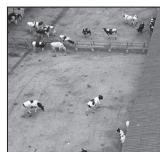
مزون نوزا

در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم شامل ماتو، شلوار، مقنعه و انواع شومیز سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴- میر مجیدی

۰۱۷۳۲۲۲۴۸۰۲ - ۰۹۳۹۳۰۱۶۱۷۲ nozhaa\_collection

تحول دامپروری در گلستان روشنایی فردا در افق امروز



۲

گلستان پیشگام در توسعه اینترنت نسل پنجم



۲

شبی برای بانوان



۳

# گلشن

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

شنبه ۱۳ بهمن ماه ۱۴۰۳ / سال بیست و ششم / شماره ۲۹۲۲ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان

یادداشت اول

## دهه فجر

با مسوولیت سردبیر

دهه فجر و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی است. انقلابی که می توان آن را دنباله عدالتخواهی و آزادی طلبی ملت ایران در انقلاب مشروطه دانست و شعار استقلال آزادی و جمهوری اسلامی را نیز می توان استمرار عدالت خواهی و حاکمیت قانون در مشروطه دانست. ملت ایران در مشروطه برابری و آزادی و عدالت را از پادشاه فجری طلب کرده بودند، بدون آنکه مفهوم دقیق این واژگان را بدانند. آنها از طلب عدالت خانه به انقلاب مشروطه رسیدند و البته آنطور که خواننده ایم اندکی بعد کشمکش ها آغاز شد و انقلابیون به جدال با یکدیگر برخاستند و نتیجه آن شد که سلسله ای رفت و سلسله ای دیگر آمد، استبدادی رفت و استبدادی دیگر آمد. نه مجلس شورایی به جا ماند، نه عدالتخانه ای و نه حکمرانی مشروطه ای. آتش برخاسته، خاموش شد و مردم خسته از ناامنی و فقر از احمد شاه ناتوان به دامان استبداد رضا شاه پناه بردند و باقی امور تا انقلاب اسلامی ملت ایران در سال پنجاه و هفت. اما امروز و پس از نزدیک به پنجاه سال از انقلاب شکوهمند اسلامی که به رهبری امام راحل اتفاق افتاد و آن مشارکت بزرگ و گسترده ملت ایران در سالهای انقلاب و سپس حضور در میدانهای نبرد و ایثارگری ها، باید بپرسیم ملت ایران امروز و اکنون در کنجای تاریخ ایستاده است؟ آیا به خواسته های انقلاب مشروطه که عدالت، برابری و حاکمیت قانون بود رسیده است؟ آیا در طول نزدیک به صد و بیست سال از انقلاب مشروطه و چهل و پنج سال از انقلاب اسلامی ایرانیان توانسته اند شاهد برابری و حاکمیت قانون را در آغوش بگیرند؟ بنابراین بر همه ی عاقلان و دلسوزان این دیار است که با عزمی جزم راه ایرانیان پاک نهاد را در رسیدن به آرمانهایشان ادامه دهند و بدانند خواسته ی ایرانیان در این سالها را می توان در عدالت، برابری، حاکمیت قانون، آزادی، استقلال و جمهوری در جامعه ای معنوی و اسلامی و مبتنی بر رای ملت خلاصه کرد. امروز نیز اگر راهرو شهیدان هستیم باید بدانیم راه شهیدان و تلاشگران توسعه ایران جز از مسیر مردم داری، مشارکت شهروندان در همه امور، عمل بدون تنازل به قانون اساسی و احترام به حق انتخاب آزاد شهروندان می گذرد و همه مفاهیم مقدس نیز تنها با مشارکت شهروندان است که تحقق پیدا می کند. هر مسیری که در آن احاد جامعه ایرانی مشارکت نداشته باشند، نمی تواند استمرار انقلاب با شکوه اسلامی ۵۷ باشد و باید در آن تجدید نظر کرد.



رویای زنان روستایی به واقعیت تبدیل شد

« ۸ »



نوید تحول گلستان با طرح توانمندسازی اقشار کم درآمد

« ۷ »



۳۹۲ مددجوی گلستانی صاحب خانه شدند

« ۵ »

# جشن سده



هویت خود را از آن می گیریم. وی در ادامه به هویت فرهنگی ایرانیان و شاهنامه حکیم فردوسی اشاره کرد و گفت: شاهنامه بر سه ستون دادگری، خردمندی و راستی بنیان نهاده شده است و حکیم ایران زمین این سه اصل را ضامن ماندگاری انسانیت می داند. مکتبی افزود: در تمام صفحات شاهنامه این سه واژه تکرار می شوند و نشانگر آن است که این واژه ها، آموزه ها و درس های جناب فردوسی وی از کودکان و نوجوانان گلشن مهر خواست، همواره دادگری، خردمندی و راستی را بر همه امور ترجیح دهند تا رستگاری دو عالم را داشته باشند. در این مراسم همچنین چند تن از هنرمندان کردکویی با خوانش اشعار جناب حافظ اجرای برنامه داشتند و کودکان و نوجوانان نیز ابیاتی از شاهنامه را هم خوانی کردند.

لیلا حسین زاده- جشن سده به همراه شاهنامه خوانی کودکان و نوجوانان گلشن مهر در کردکوی برگزار شد. در این مراسم که در کانون بازنشستگان آموزش و پرورش برگزار شد، بیش از صد کودک و نوجوان شاهنامه خوان و اولیای آنها حضور داشتند. شاهنامه پزوه گرگانی با اشاره به اهمیت و جایگاه شاهنامه گفت: شاهنامه کتاب همبستگی ملی ایرانیان است و ما می توانیم تاریخ خود را در آن ببینیم. غلامعلی قاری با اشاره به داستان آتش و هوشنگ در شاهنامه یاد آور شد: در برخی نسخه ها داستان آتش در شاهنامه نیامده است اما جشن سده یک جشن ایرانی است که در زمستان بزرگ برگزار می شده است. وی ادامه داد: خواجه نصیر در التفهیم معتقد است، پنجاه روز به سال نور ایرانیان جشن برگزار می کردند و با روشن کردن

آتش، نزدیک شدن به بهار را گرامی می داشتند. وی افزود: ایرانیان باستان همه ی روزها را نامگذاری کرده بودند به همین خاطر هرگاه نام روز با نام ماه برابر می شد، آن روز را جشن می گرفتند. مثلا روز فروردین از ماه فروردین روز اسفند از ماه اسفند، به همین خاطر دوازده جشن ثابت داشتند و به شادی ارج می نهادند. آزاده حسینی، دبیر صفحه کودک و نوجوان گلشن مهر نیز شاهنامه خوانی را یک سنت پسندیده در جشن های ایرانی عنوان کرد و با خوانش داستان هوشنگ را شرح و بسط داد. در ادامه احسان مکتبی، صاحب امتیاز

# تحول دامپروری در گلستان روشنایی فردا در افق امروز

دامپروری به بررسی روش‌های نوین در تولید و پرورش محصولات کشاورزی پرداخت. وی با بیان حمایت همه‌جانبه دولت چهاردهم و اعطای کارت طلایی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در استان بر لزوم ایجاد بسترهای مناسب برای سرمایه‌گذاری و حمایت از طرح‌های اقتصادی با صلاحیت در استان گلستان تاکید کرد. کیانمهر همچنین ضمن اعلام آمادگی برای حمایت همه‌جانبه دولت چهاردهم از سرمایه‌گذاران دارای اهلیت و صدور کارت طلایی برای آنان، ابراز امیدواری کرد که این همکاری‌ها به رونق اقتصادی و بهبود معیشت مردم منطقه منجر شود. در سپیده دم هر روز، وقتی که پرتوهای طلایی خورشید آرام آرام بر دشت‌های سرسبز گلستان تابیدن می‌گیرد، داستانی تازه از این سرزمین حاصلخیز آغاز می‌شود. گلستان، با تمام عظمت و زیبایی‌اش، همچنان در مسیر رشد و توسعه گام برمی‌دارد. در سایه‌سار درختان مرکبات و میان مزارع گندم که به وسعت آسمان پهن شده‌اند، نغمه‌های امید و آینده‌ای روشن به گوش می‌رسد. در هر گوشه‌ای از این استان، صدای زحمت‌کشانی که با عشق و تلاش بی‌وقفه به کشت و کار مشغول‌اند، طنین‌انداخت. کشاورزانی که بذرها را با امید به زمین می‌سپارند و دامدارانی که گله‌های خود را با دقت و عشق به چرا می‌برند، همه و همه نقشی از آینده‌ای پرثمر را در دل خاک گلستان می‌نگارند. گلستان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی خود، به الگویی موفق در توسعه پایدار کشاورزی و دامپروری تبدیل شده است. این سرزمین با جذب سرمایه‌گذاران و تقویت زنجیره‌های ارزش، مقصدی پرجاذبه برای کشاورزان و دامداران سراسر کشور است. تلاش‌های دولت و بخش خصوصی در ایجاد مراکز فرآوری مدرن، توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی، و بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل، همگی نشان از تعهد و عزم جدی برای افزایش ارزش افزوده محصولات این استان دارند. این سرزمین، همچون داستانی زیبا و جاودان، با هر فصلی که می‌آید و می‌رود، فصلی جدید از موفقیت‌ها و دستاوردهای خود را می‌نگارد. خورشید که هر روز بر دشت‌ها و مزارع گلستان می‌تابد، نویدبخش روزهایی پر از برکت و فراوانی است. گلستان، این بهشت سبز و حاصلخیز، همچنان با عشق و تلاش مردمانش، و سمت آینده‌ای روشن و پرافتخار گام برمی‌دارد.



و رقابت‌پذیری محصولات گلستان در بازارهای داخلی و خارجی کمک کرده‌اند. استان گلستان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی خود، در مسیر توسعه پایدار کشاورزی و دامپروری گام‌های بلندی برداشته است. تقویت زنجیره‌های ارزش و جذب سرمایه‌گذاران، نه تنها باعث افزایش درآمد کشاورزان و دامداران شده، بلکه به رشد اقتصادی منطقه و ایجاد اشتغال پایدار کمک شایانی کرده است. با ادامه این روند و حمایت‌های هدفمند دولت، گلستان می‌تواند به عنوان الگویی موفق در توسعه بخش کشاورزی و دامپروری در کشور و حتی منطقه مطرح شود. در آینده‌ای نزدیک، این استان می‌تواند به یکی از قطب‌های اصلی تولید و صادرات محصولات کشاورزی و دامی در ایران تبدیل شود و نقش مهمی در تأمین امنیت غذایی کشور ایفا کند. در راستای تقویت زنجیره‌های ارزش و جذب سرمایه‌گذاران در استان گلستان، عبدالعلی کیانمهر، سرپرست معاونت هماهنگی امور اقتصادی استانداری گلستان، از شرکت «سرورز» متعلق به هلدینگ پروتئینی افرا در منطقه بوئین‌زهر استان قزوین دیدن کرد. این شرکت با تمرکز بر پرورش گوسفند شیری و گوشتی، پرورش طیور، کشت گلخانه‌ای و کشت پسته به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین مراکز کشاورزی در کشور شناخته می‌شود. در این بازدید کیانمهر با تاکید بر اهمیت استفاده از متدها و مواد اولیه روز دنیا در صنعت کشاورزی و

دامپروری ایران، از ظرفیت‌های بالایی در زمینه تولید محصولات زراعی، باغی و دامی برخوردار است. این استان با دارا بودن شرایط اقلیمی مناسب، خاک حاصلخیز و منابع آبی غنی، همواره به عنوان یکی از پیشگامان بخش کشاورزی در کشور مطرح است. در سال‌های گذشته توجه ویژه‌ای به تقویت زنجیره‌های ارزش و جذب سرمایه‌گذاران در این استان شده است تا با بهره‌برداری بهینه از این ظرفیت‌ها، گام‌های موثری در راستای توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی برداشته شود. جذب سرمایه‌گذاران به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی استان گلستان مورد توجه دولت چهاردهم قرار گرفته است. با توجه به پتانسیل‌های بالای این استان در بخش‌های کشاورزی، دامپروری و صنایع وابسته، دولت با ارائه تسهیلات ویژه، معافیت‌های مالیاتی و تضمین خرید محصولات، تلاش کرده است تا سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را به سرمایه‌گذاری در این منطقه ترغیب کند. برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی، نشست‌های سرمایه‌گذاری و معرفی فرصت‌های اقتصادی گلستان در سطح ملی و بین‌المللی نیز از دیگر اقدامات مؤثر در این زمینه بوده است. یکی از پروژه‌های مهم در حال اجرا، توسعه کشت محصولات استراتژیک مانند دانه‌های روغنی و ایجاد زنجیره کامل تولید از کشت تا فرآوری و صادرات است. این پروژه‌ها با همکاری بخش خصوصی و حمایت دولت، به افزایش بهره‌وری

تحول دامپروری در گلستان روشنایی فردا در افق امروز گلستان با خاکی که همچون طلا در زیر پای کشاورزان می‌درخشد، یکی از مهم‌ترین قطب‌های کشاورزی و دامپروری ایران است. در هر گوشه این استان، رد پای عشق و تلاش مردمان آن به چشم می‌خورد. کشاورزانی که بذرها را در دل زمین می‌کارند و با شوق و امید به فصل برداشت می‌نگرند. دامدارانی که با نگاه به افق، گله‌های خود را به چرا می‌برند و برای لحظه‌ای آرامش، در سایه‌سار درختان پناه می‌جویند. به گزارش ایرنا، جایی که طلوع خورشید به آرامی روی شاخه‌های درختان پرتقال می‌لغزد و شب‌نم صبحگاهی بر برگ‌های گندم می‌نشیند، داستانی از زمین و زمان روایت می‌شود. اینجا، گلستان، سرزمینی است که گویی طبیعت دست به قلم برده و نقشی به زیبایی بوم‌نقاشی از آن آفریده است. در این دشت‌ها و کوه‌ها، آوای جاری آب، نغمه دل‌نشین پرندگان و زمزمه باد در میان شاخه‌ها، هر کدام قسمتی از روایت بی‌پایان این سرزمین حاصلخیز را بازگو می‌کنند. اینجا، در گلستان، هر روز یک شروع تازه است. هر سپیده‌دم، نویدی از زندگی و امید به آینده‌ای روشن‌تر را با خود به ارمغان می‌آورد. خورشید که بر می‌آید، به نظر می‌رسد که تمام جهان در این گوشه از زمین از نو زاده شده است. در سایه‌سار درختان مرکبات، آرامش و سرزندگی موج می‌زند و در دل مزارع وسیع گندم، شکوفه‌های امید جوانه می‌زنند. این سرزمین با تولید افزون بر ۱۰ درصد از محصولات کشاورزی کشور، نقش مهمی در تأمین امنیت غذایی مردم ایران ایفا می‌کند. محصولاتی چون گندم، برنج، دانه‌های روغنی و مرکبات، تنها بخشی از نعمت‌های این خاک حاصلخیز هستند و دامداری، با تولید گوشت قرمز و شیر، نمادی از تلاش و کوشش بی‌وقفه دامداران این دیار است. در گلستان، دولت و بخش خصوصی با همکاری یکدیگر، سعی در افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی و دامی دارند. تلاش برای راه‌اندازی مراکز فرآوری مدرن، سردخانه‌های پیشرفته و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی، تنها بخشی از تلاش‌های آنهاست. این اقدامات نه تنها به افزایش درآمد کشاورزان و دامداران کمک کرده، بلکه اشتغال پایدار و کاهش ضایعات کشاورزی را نیز به همراه داشته است.

## نقش مؤثر دولت و بخش خصوصی در گلستان

استان گلستان، به عنوان یکی از قطب‌های مهم کشاورزی

## گلستان پیشگام در توسعه اینترنت نسل پنجم

منزل و کسب‌وکارها به شبکه فیبر نوری حداقل ۶۰ تیم اجرایی در قالب فعالیت‌های پیمانکاری و همکاری در گرگان به‌کارگیری می‌شوند، تصریح کرد: هدف مخابرات از به‌کارگیری این تیم‌ها برون‌سپاری پروژه‌ها و توسعه اتصال شبکه فیبر نوری در منازل و کسب‌وکارها است. شهرداری با اشاره به برنامه‌های شرکت مخابرات گلستان برای توسعه شبکه تلفن همراه توضیح داد: در هفته دولت تا دهه فجر امسال، ۲۱ دکل همراه اول در گلستان تأسیس و راه‌اندازی شد و ۹۰ سایت دیگر با سرعت اینترنت پایین نیز به اینترنت پرسرعت ۵G و ۴G تجهیز گردید. مدیرعامل شرکت مخابرات گلستان خاطر نشان کرد: مخالفت با نصب دکل‌های شبکه اینترنت همراه در حالی اتفاق می‌افتد که آنتن‌دهی ضعیف شبکه تلفن همراه و اینترنت، مورد گله مردم برخی از مناطق گرگان و دیگر نقاط استان است اما معمولاً بسیاری از مردم با نصب دکل‌های همراه مخالفت می‌کنند. شهرداری با اشاره به اینکه نزدیک به ۶۰۰ دکل همراه اول در استان گلستان وجود دارد که شهرها و روستاهای استان را پوشش می‌دهد، تصریح کرد: هزینه سرمایه‌گذاری هر دکل همراه اول ۱۰۰ میلیارد ریال است. وی همچنین با گرامی‌داشت ایام الله دهه فجر گفت: از هفته دولت تا دهه فجر امسال ۱۵۶ پروژه مخابراتی با اعتبار چهار و ۸۲۰ هزار میلیارد ریال در گلستان افتتاح می‌شود که نصب دکل‌های همراه و اینترنت پرسرعت همراه با اولویت تمرکز بر روستاها، فیبررسانی به منازل و کسب و کارها، افزایش پهنای باند و شبکه انتقال استان از جمله این پروژه‌ها است.



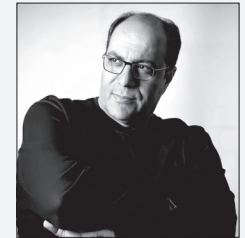
به شبکه فیبر نوری است که در سال‌های اخیر اقدامات خوبی در این راستا در استان انجام شده است. وی تاکید کرد: همه شهرهای گلستان تحت پوشش فیبر نوری قرار دارند اما اتصال منازل به فیبر نوری نیازمند توسعه است و باید به درخواست‌های متقاضیان رسیدگی شود که تحقق این مهم، از تابستان امسال با شتاب بیشتری در دستور کار شرکت مخابرات گلستان قرار گرفته است. مدیرعامل شرکت مخابرات گلستان با بیان اینکه در فاز اول برای اتصال

لیلا حسین زاده - مدیرعامل شرکت مخابرات گلستان این استان را پیشگام در توسعه اینترنت نسل پنجم اینترنت همراه ۵G دانست و گفت: نگرانی در خصوص خطر تشعشعات امواج دکل‌های شبکه اینترنت همراه، مانع بزرگی در توسعه شبکه تلفن همراه بوده و با وجود آنکه بارها اعلام کردیم که این تکنولوژی زیر نظر سازمان انرژی اتمی است و هیچ آسیبی به مردم وارد نمی‌کند نگرانی‌های مردمی، پیشرفت این پروژه را با مشکل مواجه کرده است. غلامعلی شهرداری در نشست خبری، سرعت از تجهیزات مخابراتی در تلفن ثابت را از معضلات شرکت مخابرات گلستان برشمرد و اظهار کرد: ترمیم سرعت‌های سه سال گذشته، ۶۵۰ میلیارد ریال هزینه به شرکت مخابرات استان تحمیل کرده و میزان خسارت را به هزار و ۳۰۰ میلیارد ریال رسانده است. وی افزود: با وجود اقدامات پیشگیرانه زیاد شرکت مخابرات گلستان، حجم بالای سرعت‌ها روند خدمت‌رسانی و ترمیم مجدد تجهیزات سرعتی را با کندی مواجه کرده و گلابه مردم را به همراه داشته است. مدیرعامل شرکت مخابرات گلستان با بیان اینکه با اتصال منازل و کسب‌وکارها به شبکه فیبر نوری، در آینده نزدیک کل شبکه مسی در استان جمع‌آوری می‌شود تا منجر به کاهش سرعت‌ها شود، تصریح کرد: با توجه به آنکه هزینه‌های اتصال منازل و کسب‌وکارها به فیبر نوری بالا است دولت و شرکت مخابرات با اتخاذ تدابیر و راهکارهای لازم به دنبال توسعه این پروژه در کشور است. شهرداری افزود: یکی از پروژه‌های کلیدی و اولویت‌دار شرکت مخابرات گلستان، اتصال منازل و کسب و کارها

# شبی برای بانوان

برگزاری کنسرت بانوان آوای مهربانی هیرکان بازتاب های مثبت فراوانی را به همراه داشت، در ذیل سه یادداشت از فعالان فرهنگی و اجتماعی را در این باره می خوانیم.

## کنش هنری با واکنش اجتماعی



حسین ضمیری

اما قلب، حافظه خودش را دارد. کامو

زیبایی و انتشار آن، همیشه ارزشمند بوده و هست. زیبایی از عناصر: نژاد محیط و زمان بهره می برد و می توان آن را لحاظ ریخت شناسی در منظر زیبایی شناسی جامعه شناسانه بررسی کرد. موقعیت و تلاوم یک موضوع جامعه شناسی در حوزه تاریخ هنر یا در این مورد خاص، تاریخ هنر موسیقی، باعث می شود تا بار دیگر ذره بینی به نام مواجهه رادر دست بگیریم. در تقابل بین دو موضوع زیبایی شناسی و جامعه شناسی، در می یابیم که موسیقی همواره یک ژانر مفصل در زیبایی شناسی تلقی می شود نه جامعه شناسی، اما می تواند تأثیرات مثبت یا منفی بسیاری بر روی آحاد جامعه داشته باشد. جریان آفرینش هنری از یک طرف و تکامل آن بر پایه میزان و نوع شرایط اجتماعی تاریخی در جامعه ی موجود، از جمله ملزوماتی است که ما را به درک صحیح تری از زندگی می رسانند. ادراک وجود و خاص بین شاعر، آهنگساز، نوازندگان و خواننده از سوپی و ارتباط بین اثر نهایی و مخاطب به عنوان یک خواست اجتماعی از سوپی دیگر، مواردی قابل تامل هستند. یک اثر در نهایت خود باید به یک جریان فکری قابل درک و یک موقعیت اجتماعی قابل لمس برسد. بررسی کنش های اثر هنری و واکنش های موثر آن از سوی مخاطب، درجه اهمیت آن را به ما گوشزد می کند. جامعه شناسی هنری، تمرکز خود را بر روی شیئی معین که متأثر از یک اثر هنری است متمرکز می کند. در واقع نقش هنر - که در این میان همیشه به عنوان جایگاهی برای انعکاس احساسات و عواطف شخصی یا گروهی معرفی می شود - را بسیار سیال در روح و جان مخاطبان می توان به تماشا نشست. واقعه هنری می تواند یک حوزه عمل فرهنگی ایجاد کند و قاطع و اجتماعی باشد و در نهایت می تواند به عنوان یک ضرورت اقدام اجتماعی، نقطه عزیمت و محور و مرکز کنکاش در حوزه جامعه شناسی هنری باشد. در هر امر اجتماعی به طور یقین شاهد موضع گیری هوشمندانه ای هستیم که تفکر یا رفتاری را به ظهور می نشاند. کنسرت ویژه بانوان آوای مهربانی هیرکان نیز از این منظر قابل مکاشفه است. این رویداد قبل از آنکه یک اثر هنری باشد یک ضرورت اجتماعی بود. ضرورتی که می بایست از ابعاد مختلف به آن پرداخت :

## ۱- آموزش

آموزشگاه های بسیاری در سطح کشور به آموزش هنرجویان پسر و دختر اهتمام می ورزند. شاگردانی که خود می توانند در سال های بعد به عنوان مدرس یا نوازندگانی چیره دست مطرح باشند. در خصوص آقایان هنرمند و تلاوم فعالیت آنها که بحثی نیست. اما در خصوص بانوان هنرمند می بایست صحنه ای برای اجرا دیده شدن و انتشار دانایی در حوزه موسیقی به آنها عطا کرد. عدم در اختیار گذاشتن این صحنه خط طولی آموزش را در نطفه خفه می کند و گویا آن بانوان هنرمند نیز فقط افرادی هستند که یک سری آموزش ها را دیده و در نهایت آنها را منتقل می کنند، بی هیچ نام و تاثیر ویژه ای در جامعه پیرامونی خود.

## ۲- جریانسازی

اجرای این کنسرت ویژه بانوان به بانوان جامعه به صورت هوشمندانه ای یادآوری می کند که آنها اولاً می توانند در کنار هم مطالبه گری خاص خود را داشته باشند و ثانیاً آن را به نتیجه برسانند. اجرای یک کنسرت ویژه بانوان در شرایط فعلی کشور نشان می دهد که جریان سازی فرهنگی با استفاده از ظرفیت های هنری به چه اندازه ای می تواند گره گشا باشد.

## ۳- انتشار زیبایی

انجام یک اثر هنری موسیقایی در نهایت خود یک انتشار زیبایی است، اما این انتشار کارکردهای بسیاری دارد. از سوپی بار روانی موجود در جامعه را تعدیل می کند و از سوپی دیگر تلنگری عامانه به مخاطب خود می زند که شما لاین چه پاساژهای روحی ویژه ای هستید؟ یادآوری و مطالبه گری در لوی انتشار زیبایی سبب می گردد تا این درخواست اجتماعی، بارها و بارها تکرار شود و تلاوم یابد. تلاوم مطالبه و در نهایت رسیدن به آن، عطش مضاعفی را ایجاد می کند که همان عشق است؛ یعنی رسیدن به نرسیدن. پس این دوره ناتمام می تکرار می شود و زیبایی در تاریخ ها و مکان های گوناگون انتشار می یابد.

## ۴- آینه ای تمیز برای مسئولین

مسئولین نیز در این ریل گذاری می بایست تا با درک واقعی درخواست های اجتماعی به عنوان نیازهای اولیه و ضروری، سهم خود را در این میان به خوبی دانسته و ایفا کنند. با اندکی دقت به خوبی در می یابیم که برگزاری این گونه رویدادها به چه میزانی بار منفی جامعه را در حوزه بانوان و خانواده کاهش داده و بار دیگر، باعث به وجود آمدن اعتماد اجتماعی می گردد. برقراری تعادل در روان جامعه در هر حد و اندازه آسیب های اجتماعی آن را کاهش می دهد و این یعنی دستاورد مهم برای مسئولین آگاه و همراه. هرچه این بسترها افزایش یابد و روان جامعه پالایش شود، مابیشتر شاهد جامعه ای آرام، هوشمندانه، فرهیخته و فرهنگ ملار خواهیم بود.

## ۵- تلاوم

گروه های هنری بسیاری را سراغ داریم که سال های زیادی را به اجرا پرداختند و گروه های بسیار زیادی دیگری را نیز می شناسیم که پس از اولین اجرا، به کار خود خاتمه دادند. نیچه می گوید: آنچه آمی را والا می کند، ملت احساس های والا در اوست، نه شدت آن احساسات. در تلاوم درک صحیح اجرای یک اثر هنری - در قالب موسیقی - می شود طراوت، شهود شعری و موسیقایی، جریان سازی هنری آموزش، جلوگیری از آسیب های فردی و اجتماعی و هزاران نکته مثبت دیگر را به تماشا نشست. نمی خواهیم در پایان نتیجه گیری خاصی کنیم، اما برگزاری این کنسرت نشان داد که بانوان جامعه - چه هنرمندان حاضر در روی صحنه، چه مخاطبین حاضر در هر سن و سالی و حتی چه افرادی که در اطلاع رسانی خبر این رویداد خود را سهیم کردند- خواهان چه نیازهایی هستند؟ این کنسرت نتیجه روشنی برای یک نظرسنجی بود. بسیار شفاف از جامعه پرسیده شد که آیا هنرمندان موسیقی بومی شهرستانی می توانند یک رخنمون فرهنگی ویژه و عالی را ایجاد کنند؟ آیا می توانند به ذهن و قلب جامعه ورود کرده و آرامشی نسبی را به آنها اهدا کنند؟ آیا می توانند تلاوم داشته باشند؟ آیا آیا آیا...؟ فروش بلیطها در کمتر از ۶ ساعت - بر روی سایت - فقط و فقط بیانگر یک پاسخ واضح و روشن بود: بله و لبخند و نشاط دختران و بانوان مخاطب پس از خروج از سالن نیز همان پاسخ را تکرار می کرد. به عنوان یک فعال اجتماعی ضمن تشکر از مسئولین فرهنگی، امنیتی و اجتماعی گرگان و استان گلستان تقاضا دارم تا بنا به خروجی نظرسنجی فوق، احساس و لمس ضرورت های اجتماعی در اجرا و انجام این گونه رخدادهای خودشان قبل از مردم مطالبه داشته باشند. آنها می بایست گروه ها را نهال کاری کرده و با همراهی خود به بالندگی آنها کمک نموده و عرصه هایی را برای نمایش آنها تدارک ببینند این درک و همراهی متعهدانه و هوشمندانه، اسباب رضایت خاطر جامعه هنری موسیقی و جامعه مخاطبان

را به بار می نشاند و در نهایت این روان تمام جامعه است که به سوی یک تعادل زیبا و انتشار زیبایی می رود. به قول شاعر بزرگ عرب غاده السمان: به گمانم ما موسیقی و عطر را اصلاً برای این دوست داریم که فضاهای قبلی زندگی مان را تداومی می کنند. این هم راهی است که با مرگ لحظه لحظه بجنگیم و آن را به زندگی برگردانیم و آن لحظات را زنده اش بکنیم. هر چند موقت. به بهانه اجرای کنسرت ویژه بانوان - که در چهار دهه گذشته نخستین کنسرت موسیقی ایرانی با حضور هنرمندان بومی گلستان در تاریخ های ۴ و ۵ بهمن ماه در تالار فخرالدین اسعد گرگانی برگزار شد - از استاد عاصمه فندرسکی به عنوان پیشکسوت آواز و فرشته احمدی به عنوان خواننده و مدیر اجرایی این کنسرت و همچنین تمامی دست اندرکاران و هنرمندان گروه موسیقی آوای مهربانی هیرکان صمیمانه سپاسگزارم که این رویداد هنری را با عشقی بسیار و شوری زیبا به نمایش گذاشتند. به امید تکرار و تلاوم این عاشقانه های روح افزا.

## فعال اجتماعی

## شبی به یاد ماندنی برای بانوان

سالن فخرالدین اسعد گرگانی



کلتوم غفاری توران

منتظر شروع کنسرتی متفاوت و بی سابقه بودیم. سالن مملو از بانوان مشتاقی بود که رویدادی شیرین و دلچسب را به انتظار نشسته بودند. اجرای کنسرت ویژه ی بانوان، با هنرمندی اساتید و دختران جوان گرگان به سرپرستی بانویی از جنس عشق، مهربانی و تواضع، بانو استاد عاصمه فندرسکی، آغاز برنامه را صلابت گرم و دلنشین و سخنان زیبای بانو فرشته احمدی مزین کرد تا جمع مشتاق را با استادی هرچه تمام تر برای یک همراهی به یادماننی آماده سازد و الحق که بخوبی از عهده ی این مهم برآمدند. دشمنان گرم، سپس هر یک از اعضای گروه با سادگی و زیبایی خاص خود وارد صحنه و غرق در تشویق همراه با شور و اشتیاق حضار شدند. اما چشمها بی صبرانه منتظر ورود استاد و بانوی آواز گرگان زمین بود، سرانجام انتظار به پایان رسید و استاد در میان تشویق همراه با شادی و شوق بانوان هنر دوست وارد سالن شدند. با همان تواضع و لبخند همیشگی، با صلابت و شکوه یک بانوی تمام عیار ایرانی، صحنه ی اجرا به غایت هنرمندانه آماده شده بود و همه چیز حکایت از سرپرستی و مدیریت قوی و تلاشی بی وقفه داشت: تزیین صحنه، انتخاب سازها، مهارت نوازندگان، انتخاب ردیف، دستگاه و گوشه های موسیقی و هنرمندانه تر و زیباتر از همه صدای آسمانی استاد که زلال چشمه ساران بود و لطافت باران طراوت بهار بود و زمزمه ی جویبارو کیست که بتواند آن لحظات زیبا را تا پایان برنامه توصیف کند؟ خوب درک می کنم که "چنان مستم من امشب" تنها انتخاب آواز نبود، شرح حال قلب مشتاقی بود که برای این شب بلشکوه خون دلها خورده بود و حالا با دیدن حاصل زحماتش، مستانه و از صمیم قلب می خواست جهان را با خیر سازد که: "چنان مستم، چنان مستم، چنان مستم من امشب..." پایان ماجرا ناتوانی من از توصیف این شب خیال انگیز و زیباست که چون رؤیایی شیرین گذشت. چگونه می توان دریایی را در پیمانهای محدود گنجاند؟



## اولین کنسرت ویژه بانوان

باران با دغدغه شهر که در کنار کسب و کار به رسالت اجتماعی خویش پایبند و از هنرمندان شهر تمام قد حمایت میکند.



در پایان این دوبیتی را به یادگار تقدیم استاد می کنم. باشد که به مهر پذیرا باشند.

آن شب صدای ناب غزل بود و ساز تو  
شهد هزار جام غسل بود و ساز تو  
در گوشه گوشه ی همه ی نغمه های تو  
ناگفته های عشق ازل بود و ساز تو  
ارادتمند همه ی بانوان ایران زمین

مدیرکل اسبق بانوان استانداری گلستان

## موسیقی و آسیب های اجتماعی

کافیست نگاهی به آمار های آسیب های اجتماعی بیندازیم. مو به تمان سیخ می شود. باور کردن اینکه در زیر پوست شهر چه فجایعی در جریان است برای من که یک روانشناس هستم بسیار سخت است چه برسد به دیگران. پس گاهی انکار شاید بهترین راه مقابله به نظر برسد. متأسفانه همیشه گفته ام اگر جلوی رشد موبدانه آسیب های اجتماعی را نگیریم دیگر فرزند هیچکس در امان نیست. تمام کسانی هم که فکر می کنند فرزند پروی بی نقصی دارند دچار بحران خواهند شد. شاید گل کشیدن دخترها را در پارک و انتهای کوچه های بن بست ندیده باشیم، اما بحران هویت شان، احساس پوچی و افسردگی شان و میل به خودکشی شان را حتماً دیده باشیم. تمام ملت که در سالن نشسته بودم به این فکر می کردم این حجم از شادی و امید سزوار تک تک دخترانی است که می خواهند الگویی از داخل کشور عزیزمان ایران داشته باشند اما تا کنون ندیده اند، نداشتند اند. لاجرم روی آوردند به الگوهای خارجی.

بحران هویت از همین جا شکل می گیرد وقتی من ندانم به این سوال که من کیستم ؟ من به چه کسی قرار است تبدیل شوم؟ پاسخ بله، در میان جمعیت شادی و تشویق مادران، تشنگی آنها برای دیده شدن فرزند شان از راهی سالم را نشان می داد. مادرانی که دختری روی سن زیر نورهای امید داشتند که خوش به حالشان، اما مادرانی که دخترشان گم شده ی راه های تارک تردید و محدود بودند، چه کشیدند. همه با هم آرزو می کردند کاش دختر من هم آنجا بود. اگر به نوجوانان مان راه سالم برای رشد و دیده شدن را بدهیم کمک بسیار زیادی کردیم در شکل گیری خودپنداره ی مثبت شان، خودپنداره کارآمد و مفید برای جامعه، اگر به نوجوانان مان الگوی اخلاقی برای پیشرفت بلهیم کمک بسیاری کردیم که به نجات آنها از سرگردانی در فضای مجازی. و چه راهی بهتر از بستر امن فرهنگ و هنر زیر سایه اساتیدی که امتحان شان را پس داده اند. این بار همه با هم برای تزریق امید و عشق به جامعه قدمی برداریم. مثل حضور پرشور و انگیزه بخش بانوان آوای مهربانی... شاید همین آوا از ما به جا بماند و بس.

صنم طالبی - روانشناس حوزه کودک ونوجوان

صلح پایدار



## تحدید استکبارستیزی



دکتر صادق حقیقت

اشاره: چهارشنبه، ۳ بهمن ۱۴۰۳ نشست تخصصی استکبارستیزی در مرکز الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت برگزار شد. سیدصادق حقیقت، استاد پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، که از سخنرانان این نشست بود، درباره تحدید و کران بندی استکبارستیزی سخن راند. وی با ریشه‌یابی استکبارستیزی، با ذکر چند مصداق تاریخی به بررسی موارد تحدیدکننده آن پرداخت. بحث وی در قالب یک مقدمه، چهارده نکته تحدیدکننده و یک نتیجه ساماندهی شده است.

حقیقت درباره ریشه‌های استکبارستیزی در دین اسلام چنین عنوان کرد: استکبارستیزی در قرآن ریشه دارد. خداوند در سوره مبارکه نحل می‌فرماید که اجتناب از ظالمت و فرمان الهی است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ». در سوره هود نیز به استکبار قوم عاد اشاره می‌کند: «فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ». بر اساس روایتی از پیامبر (ص)، «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي بِاللَّمْسِ مِمَّنْ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ». در این مورد، «رجلا» تنها به مسلمانان اختصاص ندارد و مقصود نوع بشر است. همچنین در نامه ۴۷ نهج البلاغه آمده است: «اَكُونُوا لظالم خصما و للمظلوم عونا» و در خطبه ۱۹۲ درباره کسانی که به خاطر نسیبشان تکبر می‌کنند اینچنین آمده: «ألا فالحدز من طاعة ساداتكم و كبرائكم الذين تكبروا عن حبسهم». وی استکبارستیزی در جمهوری اسلامی را دارای پیشینه تاریخی دانست و افزود: درباره استکبارستیزی در جمهوری اسلامی نیز باید به چندین مورد توجه داشت. اوایل انقلاب واحدی به نام «نهضت‌های آزادی‌بخش» در سپاه پاسداران به منظور مبارزه با استکبار و کمک به جنبش‌های آزادیبخش وجود داشت که به مرور

زمان تعطیل شد. همچنین در وزارت امور خارجه نیز دفتری به همین نام وجود داشت که مدتی پس از خروج از این وزارتخانه، منحل شد. این نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی به استکبارستیزی توجه داشته، اما به مرور زمان با ساختار آن مشکل پیدا کرده است. حقیقت در ادامه نطقش ۱۴ مورد از مباحثی که در تحدید مرزهای استکبارستیزی تأثیرگذارند را مطرح کرد و گفت: بحث اصلی من درباره مواردی است که مرزهای استکبارستیزی را مشخص می‌کنند. مورد اول که از حیث روش‌شناسی دارد، عبارت است از متن‌گرایی و زمینه‌گرایی. استکبارستیزی را می‌توان از دو منظر متن‌گرایانه و زمینه‌گرایانه نگریست. متن‌گرایی طبق تعریفی که دارد، مستغنی از زمینه‌های سیاسی و اجتماعی است. بدین معنا که متن به وسیله متن تفسیر می‌شود. بنابراین استکبارستیزی را باید بین متونی مثل اسناد سفارت آمریکا، صحیفه نور، نهج البلاغه، قرآن و... جست‌وجو کرد. بر اساس متن‌گرایی، متن نیاز به زمینه ندارد. اما در بررسی زمینه‌گرایی، متن نمی‌تواند به وسیله متن تفسیر شود و نیاز به زمینه دارد. اگر بنا باشد استکبارستیزی را بر اساس زمینه‌گرایی که درست‌تر از متن‌گرایی است بررسی کنیم، باید ببینیم که به طور مثال، امام خمینی سال ۱۳۵۸ در کدام زمان و مکان مطلب خاصی فرمودند. امام زمانی فرمودند که بدنبوداگر می‌توانستیم دیواری دور ایران بکشیم و با جهان در ارتباط نباشیم، اما به مرور زمان قانع شدند که کشیدن چنین دیواری ممکن نیست و نظرشان عوض شد. تفسیر این گفته امام جز با قرار دادن متن در دل زمینه ممکن نیست. مسئله دوم دانش و رویکردی است که به استکبارستیزی می‌پردازد. فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و علم سیاست دانش‌هایی در حوزه دانش سیاسی هستند که این قضاوت را بر عهده می‌گیرند. فلسفه سیاسی شکلی عقلی، فقه سیاسی عمداً شکلی نقلی، و علم سیاست شکلی تجربی و تخصصی دارد. مسئله اصلی اینجاست که اگر گزاره‌های برآمده از این سه علم در تناقض بودند، چه باید کرد؟ نظریه هم‌روی درصدد است به این گونه سوالات پاسخ دهد. بحث سوم مسئله جهاد ابتدایی است که در دانش فقه سیاسی می‌گنجد. آیا جهاد ابتدایی در زمان معصومین یا غیبت وجود داشته است یا خیر؟ در این میان صاحب‌نظران به پنج دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول به وجود آن در زمان حضور و عدم وجود آن در زمان غیبت معتقدند که امام خمینی نیز در این دسته جای داشتند. گروه دوم معتقدند جهاد ابتدایی هم در زمان معصوم وجود داشته است و هم در زمان غیبت. آیت‌الله منتظری متقدم و مقام معظم رهبری در این گروه هستند. دسته سوم معتقدند که جهاد ابتدایی در هیچ دوره‌ای وجود نداشته است: آیت‌الله منتظری متأخر و آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی. گروه چهارم معتقدند که اگرچه جهاد ابتدایی در زمان غیبت نیز وجود دارد اما ماهیتش دفاع از توحید است. این اعتقاد علامه طباطبایی و استاد مطهری است. دسته پنجم می‌گویند که حکومت اسلامی نباید تشکیل شود اما جهاد ابتدایی علاوه بر زمان حضور، در زمان غیبت

نیز وجود داشته باشد. این قول آیت‌اله خوبی است. این نکته جای بحث دارد که وجوب یا عدم وجوب جهاد ابتدایی چه نسبتی با استکبارستیزی پیدا می‌کند. مسئله چهارم مربوط به حقوق اساسی است. در اصل ۱۵۴ قانون اساسی چنین ذکر شده: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». بر این اساس، ما در امور داخلی کشورهای دیگر دخالتی نمی‌کنیم، اما حمایت‌مان را از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در همه ابعاد حتی به شکل نظامی، انجام می‌دهیم! استاد عمید زنجانی چنین نظری دارند، اما قابل توجیه به نظر نمی‌رسد. بحث پنجم راهبرد انقلاب اسلامی است. بر اساس این استراتژی باید نسبت‌مان را با قیام عاشورایی مشخص کنیم. منظور از قیام عاشورایی رفتن تا انتهای برخی مسائل است که یا به پیروزی و یا به شهادت ختم می‌شود. تبیین نسبت انقلاب اسلامی با قیام عاشورایی در این مسئله می‌گنجد. مسئله هفتم اصول سیاست خارجی دولت اسلامی است. در کتاب مبانی اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی ۹ اصل برای سیاست خارجی برشمرده شده که عبارت‌اند است: مصلحت، دفاع از سرزمین‌ها و منافع مسلمانان، نفی ولایت کافران بر مسلمانان، وفای به تعهدات بین‌المللی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، مصونیت دیپلماتیک و استنجار، حل تقیه و حفظ اسرار مسئله ما در این جا، جایگاه این اصول است. یعنی برای مواقعی که بین این ۹ اصل تراجمی به وجود می‌آید، مشخص کنیم کدام یک بر دیگری تقدم دارد. به طور مثال، مصلحت عنصر اصلی در ولایت مطلقه فقیه است؛ یعنی فقیه حکمی دهد که بر احکام اولیه و ثانویه شرعی مقدم باشد. بحث هشتم درباره تفاوت عصر حضور و غیبت است و به این موضوع می‌پردازد که آیا این ۹ اصل تنها به عصر حضور مرتبط است یا عصر غیبت را نیز شامل می‌شود؟ یعنی آیا اقداماتی که منحصر به امام معصوم است را ولی فقیه هم می‌تواند انجام دهد؟ بحث نهم تمایز قائل شدن بین گفتمان‌های موجود در اندیشه سیاسی اسلامی است. به طور مثال تمایز قائل شدن بین گفتمان‌های اسلام سیاسی، اسلام اجتماعی و اسلام غیرسیاسی. اسلام سیاسی به معنای تشکیل یک حکومت اسلامی بر اساس شریعت است که در انقلاب اسلامی نیز اتفاق افتاد. مورد دوم به معنای این است که فقها از مسائل اجتماعی فاصله نگیرند، اما در عین حال حکومتی اسلامی را تشکیل ندهند. مانند رویه‌ای که آیت‌الله سیستانی پیش گرفته است. مصداق مورد آخر نیز انجمن حجتیه است که در بحث ما جای ندارد. استکبارستیزی در هرکدام از این چارچوب‌ها معنای خاصی پیدا می‌کند. مسئله دهم مرز منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی است.

در کتاب مسئولیت‌های فراملی در سیاست‌های خارجی دولت اسلامی سعی شده مرز منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی مشخص شود. منافع ملی که مشخص است. مسئولیت‌های فراملی نیز وظایفی است که دولت اسلامی برای امور خارج از مرزهای خودش تعریف می‌کند. پاسخ کتاب مذکور این است که باید تنها و تنها در مسائل فوری خارج از مرزها مسئولیت‌های فراملی داشته باشیم. در غیر این صورت، بحث تخصصی می‌شود و دیگر فقهی نیست. یعنی اگر عده‌ای در سرزمینی مورد ظلم و کشتار قرار گرفتند، حتماً باید به آن‌ها کمک‌رسانی کنیم، اما در غیر این صورت، بحث تخصصی می‌شود. به طور مثال، ساختن جاده در یک کشور آفریقایی یا انجام فعالیت‌های فرهنگی در پاکستان یک بحث تخصصی است و متخصصین باید برآورد کنند که آیا هزینه کردن از بیت‌المال در این موارد آورده‌ای خواهد داشت یا خیر. بحث یازدهم درباره غربی یا شرقی بودن استکبار است. اینکه منظور ما از استکبارستیزی آمریکاستیزی است یا شرقی را نیز شامل می‌شود؟ و اینکه منظور از شرق دقیقاً چیست؟ منظور تنها شوروی بود؟ یا چین و روسیه امروز را نیز شامل می‌شود؟ گفته امام خمینی درباره یکی بودن شرق و غرب برای ما یک مبنا بود. بر اساس گفته مقام معظم رهبری، منظور از «نه شرقی نه غربی» سیاسی نیست و ایدئولوژیک است. برداشت من از بیانات ایشان این است که شعار «نه شرقی نه غربی» منافاتی با سیاست‌گرایی به شرق ندارد. مسئله دوازدهم درباره مذاکره است. در این بحث به این می‌پردازیم که به طور مثال آیا سیاست قهر ۴۵ ساله ما با آمریکا و ارتباط از طریق کشور ثالثی مثل عمان مبنای دینی دارد؟ تصور این است که چنین چیزی مبنای دینی ندارد؛ چرا که مذاکره به معنای تسلیم شدن نیست. عده‌ای هم معتقدند که مبنای این رفتار دینی است. به همین خاطر است که جای بحث دارد. بحث سیزدهم اصل قدرت است. در این بحث وزی تعاریف نظری به قدرتمان در عمل می‌پردازیم. یعنی وزی این بحث که آیا باید مثل ائمه معصوم جهان را اصلاح کنیم، ببینیم آیا اصلاً قدرت این کار را در اختیار داریم یا خیر. مهم آن است که قبل از رسیدن به پایان کار، بتوانیم آینده را تشخیص دهیم. مسئله چهاردهم، و آخر، درباره روان‌شناسی رهبران است. البته منظور من از رهبران شخص نیست، و تمام مدیران را شامل می‌شود. روحیه وزیر امور خارجه می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد. این دیگر یک بحث فقهی و تئوریک نیست، بلکه روان‌شناختی است. وی در انتها با جمع‌بندی موارد فوق گفت: استکبارستیزی دالی است که ملولش چندان مشخص نیست. هرچند که در ۴۵ سال اخیر تحقیقاتی صورت گرفته، اما هنوز کاملاً مشخص نیست که وقتی حرف از استکبارستیزی در میان است، از چه سخن می‌گوییم. سهراب سپهری می‌گوید: «من قطاری دیدم که سیاست می‌برد و چه خالی می‌رفت!» ما نیاز داریم که در حوزه‌های فقه سیاسی، فلسفه سیاسی، علم سیاست، اخلاق سیاسی، عرفان سیاسی و دانش‌هایی غیر از سیاست مثل جامعه‌شناسی سیاسی و روانشناسی کار کنیم.

## صعود ۱۴ پله‌ای گلستان در شاخص‌های درمانی



تأمین اجتماعی در ارائه درمان رایگان گفت: این سازمان به‌عنوان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده خدمات درمانی رایگان، کیفیت خدمات خود را برای جامعه هدف که ۵۰ درصد جمعیت کشور را شامل می‌شود، ارتقا داده و رضایتمندی قشر کارگر و بازنشسته را در اولویت قرار داده است. وی ادامه داد: بیمه‌شدگان نباید دغدغه‌ای جز کار و تولید داشته باشند، چرا که چرخ تولید کشور به دست‌های پینه‌بسته کارگران می‌چرخد. هدف ما افزایش کیفیت زندگی این عزیزان است. زینلی با اشاره به اجرای پروژه‌های جدید درمانی در استان اظهار کرد: در دهه فجر، پیشرفته‌ترین دستگاه «ام‌آر‌آی» در بیمارستان حکیم جرجانی گرگان با اعتباری بالغ بر ۱۵۰ میلیارد تومان افتتاح و خدمات خود را آغاز خواهد کرد. وی همچنین از ساخت یک درمانگاه سه‌طبقه در آق‌فلا خبر داد و گفت: این پروژه با سرمایه‌گذاری ۱۴۰ میلیارد تومانی در مدت دو سال احداث خواهد شد.

مدیرکل تأمین اجتماعی گلستان از ارتقای ۱۴ پله‌ای شاخص‌های درمانی استان خبر داد و گفت: با افزایش تخت‌های بیمارستانی، ۲۵۰ هزار بیمه‌شده از درمان رایگان بهره‌مند شدند. به گزارش روابط عمومی، رمضان زینلی در قرارگاه خبری ستاد دهه فجر اظهار کرد: استان گلستان به دلیل بهبود شاخص‌های درمانی، ۱۴ پله صعود داشته است. وی با اشاره به استخدام ۴۰۰ نفر در یک دوره دو ساله در استان گفت: سال آینده نیز جذب نیرو خواهیم داشت و تمامی درمانگاه‌های استان تجهیز شده‌اند. مدیرکل تأمین اجتماعی گلستان از افزایش ۱۰۰ تخت بیمارستانی خبر داد و افزود: با این اقدام، ۲۵۰ هزار بیمه‌شده که پیش‌تر هزینه‌های درمان را از جیب خود پرداخت می‌کردند، اکنون به‌صورت رایگان تحت درمان قرار می‌گیرند. همچنین، تاکنون ۶۰ میلیارد تومان از محل صندوق صعب‌العلاج برای بیماران خاص استان پرداخت شده است. زینلی با تأکید بر نقش سازمان



## جغرافیای استان گلستان در شاهنامه فردوسی



متن سخنرانی علی اصغر کیانی، شاعر و شاهنامه پژوه گرگانی در انجمن شعر و ادب فخرالدین اسعد گرگانی

پیش از هر سخنی لازم است بگویم، در مطالبی که عنوان می‌کنم، ادعایی ندارم و قصد این است که کنجکاوی بشود. درباره جغرافیای شاهنامه، سخن بسیار است. بسیاری از مکان‌هایی که در شاهنامه از آنها یاد شده، به گفته شاهنامه پژوهان بزرگ، شامل چند نقطه جغرافیایی است. مثلاً می‌گویند، مازندران شاهنامه این مازندران نیست، زابل شاهنامه، این زابل نیست و همین‌طور بسیاری دیگر از اعلام جغرافیایی ذکر شده در شاهنامه می‌گویند مختصاتی که ارائه می‌دهد نقاط متفاوتی را برای یک شهر در شاهنامه متصور می‌کند. مازندران را یکبار در همین جغرافیای ایرانی و بار دیگر در هندوستان تصور می‌کند. از این رو جغرافیای شاهنامه جغرافیای خاصی است؛ با اینهمه اشاراتی که فردوسی بزرگ به محدود جغرافیایی گلستان کرده است را با هم مرور می‌کنیم. در داستان

پادشاهی فریدون می‌خوانیم که فریدون از اردبیل و امل و ساری می‌گذرد و به تمیشه می‌آید. تمیشه، در منابع قدیم، شهری کهن در شرق طبرستان قدیم، در مرز شرقی طبرستان و سرحد گرگان، در شانزده فرسخی مشرق شهر ساری (ساربه) واقع بوده است. جغرافیای امروزی آن شهر کنونی کردکوی است. بقایای شهر قدیمی تمیشه و دیوار آن در غرب روستای سرکلانه خراب شهر در جنوب کردکوی موجود است. به گفته برخی باستان شناسان این شهر پایتخت یک سلسله محلی متعلق به اسلام تا دوره سلجوقی بوده و قدمت این شهر بسیار بیشتر بوده و بخشی از عناصر حفاظتی شهر نیز در دوره ساسانی و در زمان سلطنت خسرو انوشیروان ساخته شده است. تمیشه پایتخت دوم فریدون بوده و تاج‌گذاری فریدون در تمیشه اتفاق افتاده است. در شاهنامه به اینها اشاره شده و فردوسی روایت می‌کند که فرانک، مادر فریدون برای مراسم تاج‌گذاری فرزندش به تمیشه می‌آید. در حدود سی و چند کیلومتری تمیشه روستایی است به نام «مهدریجه» که متعلق به گلوگاه مازندران است. اسم این روستا هم حقایقی را برای ما روشن می‌کند. به تلفظ نام این روستا دقت کنید. مهدریجه؛ مهد ایرج. ایرج یکی از سه پسر فریدون است. نام این روستا هم بی‌مناسبت با شاهنامه نیست و اتفاقاً با تمیشه که محل تاج‌گذاری فریدون است، نسبت‌هایی دارد و ممکن است محل تولد یا بالیدن ایرج باشد، ایرجی که وجه تسمیه ایران، نام اوست. بین نوکنده و گلوگاه، منطقه‌ی «کلباد» را داریم، در شاهنامه، کلباد، یکی از سرداران لشکر توران بوده که در جنگ ایران و توران کشته می‌شود و در منطقه مرزی دفن می‌شود. اگر از اهالی کلباد پرسید، کلباد که بوده، به شما خواهند گفت؛ کسی بوده که رستم، کتکش زد که مخفیگاه دیو مازندران را از او بگیرد. می‌گویند زبان کلبادی‌ها، ترکی است، حال آنکه زبان آنها قرقیزی است و جالب آنکه همان زبان رامیانی‌ها را دارند. باز داستان بیژن و منیژه را در شاهنامه داریم که با جغرافیای گلستان مرتبط است. این داستان از آنجا آغاز می‌شود که به کیخسرو خبر می‌آورند که «ارمینیان» آمده‌اند و از حمله پی‌دربی گرازاها به زمین‌های کشاورزی‌شان شکوه دارند و خواستار تدبیر پادشاه‌اند. به اعتقاد بسیاری از شاهنامه‌پژوهان، ارمینیان، ساکنان رامیانی امروزی‌اند. از نظر آوایی و جنس کلمه، ارمینیان و رامیانی شباهت بسیار دارند. بیژن، برای دفع خسارات گرازاها

داوطلب می‌شود اما پدرش گیو مخالفت می‌کند ولی در نهایت بیژن به همراه گرگین که سن‌وسالی داشته و به آن منطقه آشنایی داشته به ارمینیان می‌رود، و با کشتار گرازاها، مردم آنجا را از گزند آنها آسوده می‌کند. جالب اینکه الان هم کشاورزان رامیانی، همین مشکل را دارند و از حمله گرازاها در عذاب‌اند. بیژن بعد از این کار بزرگ، خیمه‌ای در دشت می‌بندد، پیش می‌رود و در آن میان منیژه، دختر افراسیاب، پادشاه توران را می‌بیند و دل در گرو عشق او می‌نهد. بیژن با منیژه، سه روزی به عیش و نوش می‌گذراند و تصمیم می‌گیرد به دربار کیخسرو، پادشاه ایران برگردد، منیژه از او می‌خواهد بماند، بیژن قبول نمی‌کند و منیژه در نوشیدنی او داروی بیهوشی می‌ریزد و او را بیهوش به توران و به کاخ خود می‌برد. مدتی بعد، گرسیوز به افراسیاب خبر می‌دهد که پسری ایرانی، هفته‌ای است در کاخ دخترت ساکن شده است. افراسیاب خشمگین می‌شود و دستور می‌دهد، بیژن را نزد او بیاورند، بین بیژن و تورانیان درگیری پیش می‌آید و در نهایت گرسیوز قول می‌دهد که در امان است اما افراسیاب حکم به مرگ بیژن می‌دهد و در اینجا پیران و سسه و قره‌خان از وزیران دربار توران، افراسیاب را بیم می‌دهند که چنین نکند و عواقب ماجرای کشتن سیاوش را به او یادآور می‌شوند. قره‌خان، پیشنهاد می‌دهد بیژن را زندانی کنند. جالب اینکه، قره‌خانی‌ها، فامیل بزرگی در منطقه رامیانی‌اند و ارتباط قره‌خانی که در شاهنامه به عنوان وزیر افراسیاب از او نام برده شده با این فامیل بزرگ، بایست مورد کنکاش قرار گیرد. گفتیم که ارمینیان، در مرز ایران و توران بوده. جالب اینکه اکنون هم دو روستا به نام «توران ترک» و «توران فارس» در حوالی رامیانی و آزادشهر داریم. بیژن را به چاه می‌افکنند و منیژه را از کاخ بیرون می‌کنند، گرگین هم به دربار ایران بازمی‌گردد و خبر مرگ بیژن را به کیخسرو می‌دهد، کیخسرو، در جام جهان‌بین خود می‌نگرد و بیژن را در چاه می‌بیند. چنان که در شاهنامه می‌خوانیم، سرانجام بیژن به دست رستم که در جامه مبدل بازرگانان به توران می‌رود و از آن چاه نجات می‌یابد. در رامیانی امروز، دشتی داریم که به «دشت بیژن» معروف است. چاهی داریم که به «چاه بیژن» معروف است؛ برخی از محلی‌ها به این چاه، «چاه پیرزن» هم می‌گویند. شباهت آوایی پیرزن به بیژن، جای تردیدی نمی‌گذارد که پیرزن، تصحیف و تحریفی از بیژن است. در جای دیگری در شاهنامه می‌خوانیم که انوشیروان

به گرگان می‌آید و مردم این شهر که از حمله ترکان سرزمین‌های شمالی به تنگ آمده‌اند، داد خود به درگاه او می‌برند و می‌گویند؛ «نباریم گردن برافراختن» ز بس کشتن و غارت و تاختن» و از او می‌خواهند برای دفع تجاوزات آنها تدبیری بیندیشد. فردوسی، به زیبایی و رسایی از زبان مردم گرگان دادخواهی می‌کند؛ «نباشد به گیتی چنین جای شهر/ گر از داد تو ما بیابیم بهر» انوشیروان دادگر متأثر می‌شود؛ «سرشک از دو دیده ببارید شاه/ چو بشنید گفتار فریادخواه» و دستور می‌دهد بهترین معماران را از سراسر جهان آن روز، گرد بیاورند و دیواری در برابر این تجاوزات احداث کنند. به دستور او معمارانی از هند و روم و دیگر نقاط می‌آیند و دیواری به طول دویست کیلومتر بنا می‌کنند. این دیوار تاریخی از گمیشان تا گلی داغ استان گلستان کشیده شده است. فردوسی در شاهنامه به وضوح به ساخت این دیوار اشاره کرده است و حتی جزئیاتی از بنا را بازگو می‌کند. اشاره می‌کند که هنگام آواز بلبل و فصل بهار بود و بخشی از دیوار در دریا احداث شده است؛ «یکی باره از آب برکش بلندبرش پهن و بالای او ده کمند - به سنگ و به گچ باید از قعر آب/ برآورده تا چشمه آفتاب» و جالب آنکه سفارش می‌کند بهترین معماران را به کار گمارد و بر آنان گنج بگشاید که خلاف داد و مردانگی است که ایرانیان در رنج باشند و گزند ببینند؛ «نبايد که آيد یکی زین به رنج/ بله هرچه خواهند و بگشای گنج» کتاب‌هایی در زمینه جغرافیای شاهنامه نوشته شده، «فرهنگ‌نامه اعلام جغرافیایی در شاهنامه با محوریت بخش اساطیری و پهلوانی» نوشته سودابه خداکرمی و «جغرافیای شاهنامه از کیومرث تا کیخسرو» از حانیه بیرمی از آن میان‌اند. اما لازم است، پژوهشگران محلی، در این زمینه به تحقیق بپردازند. این نشانگان و تشابهات که در داستان بیژن و منیژه و منطقه رامیانی وجود دارد ما را بر آن می‌دارد که تحقیق گسترده‌تری انجام دهیم و بخش‌هایی ناشناخته و پنهان از شاهنامه را بشناسانیم. این نسبت‌ها که منطقه ما یعنی جغرافیای استان گلستان با شاهنامه دارد، ما و فرزندان ما را به شاهنامه علاقه‌مندتر می‌کند و این علاقه آنها را به خواندن شاهنامه و بهره بردن از حکمت‌های درون داستان‌های آن تشویق می‌کند. شاهنامه گنجینه فرهنگی ماست که راه و رسم درست زندگی کردن را در قالب داستان‌ها و حماسه‌ها و اسطوره‌های جذاب به نسل‌ها منتقل می‌کند و حیث است که از فرزندان ما از آن بی‌بهره باشند.

# ۳۹۲ مددجوی گلستانی صاحب‌خانه شدند



مدیرکل بهزیستی گلستان، تامین مسکن و اشتغال را از اولویت‌های توانمندسازی مددجویان بهزیستی برشمرد و گفت: از ابتدای سال جاری تاکنون ۳۹۲ واحد مسکونی به ارزش ۵۳۵ میلیارد ریال به مددجویان گلستانی تحویل داده شد. به گزارش روابط عمومی، علیرضا طاهری‌زاده اظهار کرد: به مناسبت دهه فجر نیز کلید ۹۶ واحد مسکونی به ارزش ۲۰۰ میلیارد ریال تحویل مددجویان گلستانی می‌شود. وی با بیان اینکه در حال حاضر ۴۰۰ پرونده دیگر ویژه مددجویان بهزیستی برای تامین مسکن در استان تشکیل شده است، افزود: در کنار این مهم، پرداخت ۵۸۰ میلیارد ریال اعتبار تسهیلات ودیعه مسکن ویژه مددجویان گلستانی برنامه‌ریزی شده است. مدیرکل بهزیستی گلستان از بانک‌ها خواست در اعطای تسهیلات به مددجویان بهزیستی همکاری لازم را داشتند تا دسترسی این قشر به وام‌های مسکن و اشتغال راحت‌تر شود. طاهری‌زاده کمبود زمین را مشکل اصلی مددجویان گلستانی برای تامین مسکن دانست و گفت: برای ساخت و احداث مسکن ویژه مددجویان در استان اتفاقات خوبی رخ داده و ریزنی‌های فراوانی با اداره‌کل راه و شهرسازی و بنیاد مسکن انجام شده که در نتیجه این پیگیری‌ها زمینه دریافت زمین رایگان فراهم شده است. به گفته وی؛ براساس تفاهم‌نامه منعقد

شده با اداره‌کل راه و شهرسازی گلستان، زمینه اعطای زمین رایگان به مددجویان بهزیستی در ۱۰ شهرستان استان فراهم شده است. مدیرکل بهزیستی گلستان تاکید کرد: در بخش اشتغال نیز از محل جز چهار و سه حدود ۴ هزار میلیارد ریال اعتبار برای مددجویان گلستانی در نظر گرفته شده که تاکنون با اعطای

امام رضا(ع)، افتتاح مراکز توانبخشی، برایابی میز خدمت، برگزاری جشن دوقلوها، ویزیت رایگان برای اقشار تحت پوشش بهزیستی و افتتاح مرکز فوریت‌های اجتماعی در علی‌آبادکتول را جمله دیگر ویژه‌برنامه‌های بهزیستی گلستان در ایام دهه فجر اعلام کرد. مدیرکل بهزیستی گلستان از افتتاح مرکز مشاوره ژنتیک علی‌آبادکتول در دهه فجر امسال خبر داد و یادآور شد: میزان معلولیت در گلستان بالاتر از میانگین کشوری است و در همین راستا، افتتاح مراکز مشاوره ژنتیک در شهرستان‌های استان در دستور کار ما قرار دارد. طاهری‌زاده با بیان اینکه حدود ۶۰ هزار معلول گلستانی تحت پوشش بهزیستی گلستان قرار دارند، افزود: افزون‌بر آن، هشت هزار زن سرپرست خانوار و خانواده‌های دارای فرزند چندقلو نیز از خدمات بهزیستی بهره‌مند می‌شوند. وی با بیان اینکه همه مددجویان گلستانی مستمری دریافت می‌کنند، تصریح کرد: آن دسته از مددجویانی که به تازگی شناسایی شده و تشکیل پرونده دادند نیز تا پایان سال از مستمری بهره‌مند خواهند شد. مدیرکل بهزیستی گلستان با تاکید بر اینکه به ازای هر نفر حدود ۱۰ میلیون ریال مستمری به مددجویان پرداخت می‌شود، یادآور شد: حدود ۱۰ هزار نفر از مددجویان گلستانی نیز ماهانه حق‌پرستاری دریافت می‌کنند.





## رویای زنان روستایی به واقعیت تبدیل شد

### بافته‌های خود را چگونه مدیریت می‌کنید؟

بافته‌هایم را شاید یک بار هم ندیده باشم، اما آنها نگران هستند و می‌گویند اگر نتوانم محصولات را بفروشم، آنها نیز دچار مشکل خواهند شد. من تلاش می‌کنم که همیشه بازار فروش را حفظ کنم تا بافته‌ها و کارگرهایم دغدغه‌ای نداشته باشند. این زن کارآفرین، با تلاش و همت بی‌نظیر خود توانسته است زندگی خود و بسیاری از افراد دیگر را تغییر دهد. با وجود تمامی چالش‌ها، همچنان به پیشرفت و نوآوری ادامه می‌دهد. خوشحالی در چهره او موج می‌زند و او با افتخار به دستاوردهایش، الگویی برای دیگران در کارآفرینی و استقامت است. خانم بنی‌هاشمی از روستای بالاجاده کردکوی، با تلاش و همت فراوان، داستانی از استقامت و پشتکار را رقم زده است. با وجود چالش‌های مالی، مکان تولید اجاره‌ای و نداشتن پس‌انداز، او توانسته است بیش از ۱۰۰ نفر را در شهرهای مختلف گلستان زیر پوشش خود قرار دهد و هزاران نفر را آموزش دهد. نوآوری‌ها و خلاقیت‌های او در تولید صنایع دستی و لباس‌های سنتی، باعث شده تا محصولاتش مورد توجه مشتریان قرار گیرد و در بازارهای مختلف به فروش برسد. او با عشق به کار و مسئولیت‌پذیری، حتی در شرایط سخت نیز به پیشرفت و نوآوری ادامه داده و همواره به دنبال بهبود وضعیت کسب و کارش است. این زن کارآفرین با ایجاد اشتغال و آموزش به دیگران، نه تنها به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی منطقه کمک کرده، بلکه الگویی برای زنان و جوانان دیگر نیز به حساب می‌آید. داستان زندگی او نشان‌دهنده قدرت اراده و پشتکار انسان‌هایی است که با عشق و امید می‌توانند مسیر زندگی خود و دیگران را تغییر دهند. او با افتخار به دستاوردهایش، خوشحالی و رضایت را در چهره‌اش به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که با همت و تلاش، می‌توان در برابر سختی‌ها ایستادگی کرد و به دستاوردهای بزرگی رسید. خوشحالی در چهره این زن کارآفرین موج می‌زند. او با تمام سختی‌ها و چالش‌ها، از هر لحظه زندگی‌اش لذت می‌برد و با افتخار به دستاوردهایش می‌نگرد. هر طلوع خورشیدی که بر فراز روستای بالاجاده کردکوی می‌تابد، نشان از امید و عشقی دارد که در دل این زن تابناک است. او با قلبی پر از عشق به کار و مردم، همچنان به راه خود ادامه می‌دهد. قدم‌های استوار او نه تنها به اقتصاد محلی کمک کرده، بلکه به عنوان الگویی برای زنان و جوانان دیگر نیز شناخته می‌شود. داستان او یادآور شجاعت و پشتکار انسان‌هایی است که با عشق و اراده می‌توانند مسیر زندگی خود و دیگران را تغییر دهند. با هر نسیم ملایمی که از میان کوچه‌های بالاجاده می‌گذرد، او داستان خود را به یاد می‌آورد و با لبخندی بر لب، به آینده‌های روشن و پر از امید می‌نگرد. این زن کارآفرین، با داستانی پر از تلاش و دلی پُر از عشق، همچنان در پی خلق رویاهای جدید و دستیابی به افق‌های بلندتر است. او ثابت کرده که با عشق و اراده، هیچ چیز غیرممکن نیست. هر روزی که به استقبال آن می‌رود، پر از امید و شایستگی است و او با افتخار به مسیری که طی کرده، می‌نگرد. زندگی این زن پرتلاش از روستای بالاجاده کردکوی، نشان‌دهنده‌ی اراده، امید و عشق به هنر و فرهنگ است. با تلاش و پشتکار بی‌نظیر خود، او توانسته از یک فروشنده ساده به یک تولیدکننده موفق صنایع دستی تبدیل شود که بیش از ۱۰۰ کارگر زن را تحت حمایت خود قرار داده است. این زن نمونه با ایجاد فرصت‌های جدید برای زنان روستا، بهبود معیشت آنها و تقویت حس همبستگی و اعتماد به نفس در آنها، به الگویی بی‌نظیر برای تمامی زنان و دختران ایران تبدیل شده است. داستان زندگی او، گواهی است بر این که با ایمان به خود و تلاش مستمر، می‌توان به هر آرزویی دست یافت و نه تنها زندگی خود بلکه زندگی دیگران را نیز تغییر داد. این زن با پشتکار و اراده‌ی فولادین، همچنان به مسیر موفقیت و پیشرفت ادامه می‌دهد و الهام‌بخش زندگی بسیاری از افراد خواهد بود. داستان او به ما یادآوری می‌کند که هر چالشی، فرصتی برای رشد و پیشرفت است و با همتی و تلاش مشترک، می‌توان به موفقیت‌های بزرگ دست یافت.



تولید اجاره‌ای است. این مشکلات موجب شده‌اند که فشار مالی زیادی روی دوامش باشد و ادامه فعالیت‌هایم دشوار شود.

### چه تعداد کارآموز را آموزش داده‌اید و چگونه از آنها حمایت می‌کنید؟

هزاران نفر را آموزش داده‌ام و در زمان آموزش هم به کارآموزها پول می‌دهم تا بتوانند بدون مشکل مالی مهارت‌های لازم را کسب کنند. این کار باعث می‌شود که بتوانند به سرعت وارد بازار کار شوند و از تجربیات من بهره‌مند شوند.

### آیا علاوه بر صنایع دستی، فعالیت دیگری نیز دارید؟

بله، علاوه بر صنایع دستی، به دوخت لباس نیز مشغول هستم و ۴ نفر کارگر مستقیم در کارگاه دارم. تولید لباس‌های سنتی و مدرن، بخشی از فعالیت‌های من است که مشتریان خاص خود را دارد.

### چگونه از دستگاه‌های تولید در خانه‌ها استفاده می‌کردید؟

در بسیاری از خانه‌ها دستگاه‌هایی برای تولید وجود داشت، ولی بعد از ملتی این دستگاه‌ها خراب شدند و از بین رفتند. با این حال، من توانستم برخی دستگاه‌ها را تعمیر و با همت و تلاش می‌توان در برابر سختی‌ها ایستادگی کرد و به دستاوردهای بزرگی رسید. این زن کارآفرین، با قدم‌های استوار خود، نه تنها به اقتصاد محلی کمک کرده، بلکه به عنوان الگویی برای زنان و جوانان دیگر نیز شناخته می‌شود. داستان او، یادآور شجاعت و پشتکار انسان‌هایی است که با عشق و اراده می‌توانند مسیر زندگی خود و دیگران را تغییر دهند. در ادامه گفتگو ایرنا را با هم می‌خوانیم.

### از چه زمانی به صنایع دستی روی آوردید؟

از سال ۱۳۷۹ به صنایع دستی و تولید لحاف و تشک روی آوردم. این کار باعث شد که بتوانم محصولات متنوع‌تری را به بازار عرضه کنم و مشتریان بیشتری جذب کنم.

### چه چیزی کار شما را متمایز کرده است؟

فکر کردن به اینکه چه محصول جدیدی درست کنم و تبدیل کارم به چیزی که مورد نیاز و مطلوب مشتریان باشد، مرا متمایز کرده است. همواره به دنبال نوآوری و ارتقای کیفیت محصولاتم هستم.

### آیا پس‌اندازی دارید؟

هر چه فروش کنم وارد کار می‌کنم و پس‌اندازی ندارم. تمام درآمد را برای گسترش کسب و کار و بهبود وضعیت تولید اختصاص می‌دهم.

### در کار تولید چه نوآوری‌هایی داشته‌اید؟

اولین کسی بودم که تن‌پوش‌هایی منحصر به فرد تولید کردم و در نمایشگاه‌ها با توجه به نیاز مشتریان محصولات جدیدی مانند سرویس آشپزخانه تولید کردم. این نوآوری‌ها باعث شده که محصولاتم همیشه مورد توجه باشند.

مانند سرویس آشپزخانه تولید کرد و هر چه فروش می‌کرد، وارد کار می‌کرد و پس‌اندازی نداشت. خانم بنی‌هاشمی اکنون با چالش‌های فراوانی روبروست. او در همه شهرهای گلستان، ۱۰۰ نفر زیر مجموعه دارد و با وجود مشکلات سرمایه در گردش و مکان تولید اجاره‌ای، همچنان به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد. او هزاران نفر را آموزش داده و حتی در زمان آموزش به کارآموزها حقوق پرداخت می‌کند. در کنار تولید صنایع دستی، او به دوخت لباس نیز مشغول است. این کارآفرین از مغازه‌های اجاره‌ای در روستا شروع کرد و با خرید و فروش محصولات، به تدریج به کسب و کار خود رونق بخشید. در بسیاری از خانه‌های روستا، دستگاه‌های سنتی برای تولید وجود داشت، اما به مرور زمان این دستگاه‌ها خراب شدند و مردم که دیگر علاقه‌ای به استفاده از آنها نداشتند، این ابزارهای سنتی را از بین رفتند یا آتش زدند. از سال ۱۳۷۹، او به صنایع دستی و تولید لحاف و تشک روی آورد و با ایده‌های خلاقانه خود، اولین کسی بود که تن‌پوش‌هایی منحصر به فرد تولید کرد. با همه این چالش‌ها، این زن کارآفرین همچنان به تلاش‌های خود ادامه می‌دهد و با ایده‌ها و نوآوری‌های خود، به دنبال راه‌حلی برای بهبود وضعیت کسب و کارش می‌گردد. بافت‌ها و طرح‌ها که بسیاری از آنها را حتی یک بار هم ندیده است، نگران فروش محصولات خود هستند و می‌گویند اگر او نتواند محصولات را به فروش برساند، آنها نیز دچار مشکل خواهند شد. خوشحالی در چهره او موج می‌زند و او با افتخار به دستاوردهای خود نشان می‌دهد که با همت و تلاش می‌توان در برابر سختی‌ها ایستادگی کرد و به دستاوردهای بزرگی رسید. این زن کارآفرین، با قدم‌های استوار خود، نه تنها به اقتصاد محلی کمک کرده، بلکه به عنوان الگویی برای زنان و جوانان دیگر نیز شناخته می‌شود. داستان او، یادآور شجاعت و پشتکار انسان‌هایی است که با عشق و اراده می‌توانند مسیر زندگی خود و دیگران را تغییر دهند. در ادامه گفتگو ایرنا را با هم می‌خوانیم.

### چند نفر زیر مجموعه دارید و در کدام مناطق فعالیت می‌کنید؟

من ۱۰۰ نفر زیر مجموعه دارم که در همه شهرهای گلستان فعالیت می‌کنند. این افراد در تولید و فروش محصولات صنایع دستی به من کمک می‌کنند.

### آیا تاکنون به فکر تعطیل کردن کسب و کارتان افتاده‌اید؟

بله، بعضی وقت‌ها می‌خواهم کسب و کارم را تعطیل کنم. اما فکر می‌کنم اگر این کار را نکنم، همه بیکار می‌شوند و این مسئولیتی است که نمی‌توانم از آن غافل شوم. نگرانی برای آینده کارگرها و خانواده‌هایشان، همیشه در ذهنم است.

### چه چالش‌هایی در کسب و کارتان دارید؟

بزرگترین چالش من نداشتن سرمایه در گردش و مکان

در دل روستای بالاجاده کردکوی، جایی که آسمان همیشه به رنگ آبی عمیق است و نسیم ملایم از میان درختان سرسبز عبور می‌کند، زنی کارآفرین با قلبی پر از عشق و امید، همچنان در پی خلق رویاهای جدید است. او که داستان خود را از دل کوچه‌های پر از خاطره این روستا آغاز کرده است، اکنون با صدای پر از شور و نشاط، به آینده‌های روشن تر نگاه می‌کند. به گزارش ایرنا، هر صبح که خورشید از افق بالا می‌آید، نور طلایی آن بر خانه‌های ساده و زیبایی روستا می‌تابد و همانند نوری از امید، بر چهره‌ی این زن تابنده می‌شود. در این لحظات، انگار که زمان متوقف شده و همه چیز به هم پیوسته است؛ گذشته‌ای که با تلاش و پایداری رقم خورده، و آینده‌ای که پر از امکان‌های بی‌پایان است. خانم صدیقیه بنی‌هاشمی با داستانی پر از تلاش و دلی پُر از عشق، همچنان به راه خود ادامه می‌دهد. هر گامی که برمی‌دارد، نشانه‌ای از اراده و پشتکار اوست. صدای چرخ‌های کارگاهش همچون موسیقی‌ای دلنشین در هوای پاک روستا طنین‌انداز می‌شود و با هر گردش چرخ، قصه‌ای جدید از امید و تلاش نوشته می‌شود. در این لحظات، تمامی مرزهای واقعیت و خیال محو می‌شوند. او همچنان در تلاش است تا رویاهای خود را به واقعیت تبدیل کند، و هر روز با لبخندی بر لب و نگاهی پر از امید، به استقبال آینده‌های می‌رود که پر از شگفتی و زیبایی است. او ثابت کرده که با عشق و اراده، هیچ چیز غیرممکن نیست و همچنان در پی خلق داستانی جدید و شگفت‌انگیز است. در دل کارگاه پر جنب و جوش این زن کارآفرین در روستای بالاجاده کردکوی، بخشی از فضای کارگاه به یک موزه‌اشیای قدیمی تبدیل شده است که به طور شگفت‌انگیزی خاطره‌ها و گذشته‌ها را زنده می‌کند. این موزه با مجموعه‌ای از اشیای قدیمی که شاید بسیاری از آنها دیگر کاربردی نداشته باشند، اما هر یک داستانی از روزهای گذشته روایت می‌کنند. تبدیل به یکی از جذاب‌ترین بخش‌های کارگاه شده است. در این موزه، هر گوشه‌ای از فضا پر از اشیای تاریخی و نوستالژیک است. از ابزارهای قدیمی دستی که زمانی برای تولید و ساخت استفاده می‌شدند، تا لباس‌های سنتی و پارچه‌هایی با طرح‌های اصیل که هر یک داستانی از زندگی و فرهنگ مردم این منطقه را به تصویر می‌کشند. این اشیاء گرچه دیگر کاربردی ندارند، اما با خود خاطراتی از گذشته‌های دور و روزهای پر تلاش و امید به همراه دارند. بینندگان با قدم زدن در این موزه گویی به گذشته سفر می‌کنند و با هر شیء قدیمی، لحظاتی از تاریخ و زندگی پیشینیان را تجربه می‌کنند. نگاه به این اشیاء نه تنها حس نوستالژی را در دل‌ها بیدار می‌کند، بلکه بینندگان را به تحسین و احترام به تلاش‌ها و زحمات نسل‌های پیشین و امی دارد. این زن کارآفرین با ایجاد این موزه در کنار کارگاه خود نشان داده است که چگونه می‌توان بین گذشته و حال پیوندی عمیق برقرار کرد. او با احترام به تاریخ و فرهنگ، فضایی ایجاد کرده است که علاوه بر تولید محصولات جدید، ارزش‌های گذشته را نیز زنده نگه می‌دارد. موزه‌اشیای قدیمی در کارگاه او، نمادی از تلفیق سنت و مدرنیته و تلاش برای حفظ و احیای میراث فرهنگی است. در دل این موزه، نسیمی از یادها و خاطرات قدیمی جریان دارد. اشیایی که هر کدام با خود داستان‌هایی از روزهای پر از عشق و تلاش به همراه دارند. نگاه به این اشیاء گویی پنجره‌ای به گذشته باز می‌کند و بیننده را در دنیایی از نوستالژی و رویا غرق می‌کند. خانم بنی‌هاشمی با دست‌های پرتلاش خود، این موزه را تبدیل به مکانی کرده است که هر کسی با قدم گذاشتن در آن، قلبش پر از احساسات و خاطرات شیرین می‌شود. این موزه، نه تنها تجلی‌گر تاریخ و فرهنگ است، بلکه نمادی از عشق و احترام به گذشته‌ای است که همچنان در قلب‌های ما زنده است. زندگی این زن کارآفرین با تلاش و همت بی‌نظیر خود، داستانی از پایداری و موفقیت را رقم زده است. او بیش از ۲۰ سال پیش فعالیت خود را با فروشنده‌ی لباس‌های سنتی آغاز کرد و با گذر زمان و کسب تجربیات گوناگون، به تدریج به تولید و عرضه محصولات صنایع دستی روی آورد. او با نوآوری و خلاقیت خود، تن‌پوش‌هایی منحصر به فردی تولید کرد که در بازار مورد استقبال قرار گرفت. با حضور در نمایشگاه‌های سراسر کشور و توجه به نیاز مشتریان، محصولات جدیدی